

معنا، اسطوره و روایت در سیاستگذاری هویتی

عباس مصلی نژاد*

استاد، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

چکیده

هویت از عناصر بنیادین نظم سیاسی، منطقه‌ای و بین‌المللی جدید. قالب‌های هویتی ارتباط درهم‌تنیده‌ای با تاریخ، فرهنگ و قالب‌های کنش پیشین یک جامعه دارد. توضیح آنکه نشانه‌های فرهنگی به‌گونه تدریجی بازتولید می‌شود و شکل جدیدی از رفتار سیاسی را منعکس می‌سازد. بخشی از جدال‌های سیاسی در روابط ایران، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، اسرائیل، یمن و اوکراین ماهیت هویتی دارد. به این ترتیب هویت را می‌توان کالاهای گمشده عصر موجود دانست که تأثیر زیادی در سیاستگذاری امنیتی کشورها دارد. مسئله اصلی پژوهش آن است که معنا، اسطوره و روایت در روندهای سیاستگذاری هویتی به‌ویژه در سطوح اجتماعی، ملی و منطقه‌ای نادیده انگاشته شده است. دو پرسش پژوهشی عبارت‌اند از: ۱. سیاستگذاری هویتی در دهه سوم سده بیست‌ویکم دارای چه ویژگی‌هایی است؛ و ۲. چگونه می‌تواند زمینه‌های مثبت و تعادل را به‌وجود آورد؟ در فرضیه پژوهش استدلال می‌شود که سیاستگذاری هویتی مبتنی بر شناخت قالب‌های تعارض فرهنگی، تاریخی، ایدئولوژیک و آرمانی بازیگران است و از راه سازوکارهای مبتنی بر کنش بین‌الذهانی حاصل می‌شود. بهره‌گیری از رهیافت سازه‌انگاری و قالب‌های پارادایمیک جدید آلن تورن از روش تحلیل داده‌ها و تحلیل محتوای مفهومی برای تبیین نشانه‌های معنایی، اسطوره‌ای و روایتی در سیاستگذاری هویتی سده بیست‌ویکم استفاده می‌شود. دستاوردهای پژوهش مربوط به قالب‌های سیاستگذاری هویتی، رسانه‌ای و جامعه شبکه‌ای است که می‌تواند برای برخی کشورها زمینه تولید قدرت، و برای برخی دیگر نشانه‌های تهدید امنیتی را فراهم سازد. نوآوری پژوهش مربوط به تأثیر نشانه‌های روایتی و اسطوره‌ای در سیاستگذاری هویتی است.

واژه‌های کلیدی: اسطوره، امنیت‌سازی منطقه‌ای، روایت، سیاستگذاری هویتی، مدیریت بحران، هویت

* نویسنده مسئول، رایانامه: mossalanejad@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۲۱ فروردین ۱۴۰۱، تاریخ تصویب: ۱۰ بهمن ۱۴۰۱

۱. مقدمه

هانتینگتون در ۱۹۹۳ نظریه «برخورد تمدن‌ها»^۱ را ارائه داد؛ و در نگرش وی شکل جدیدی از کنش رفتاری بین بازیگران هویتی در حال پدیدار شدن است. از وستفالی تا عصر جنگ سرد همواره نشانه‌هایی از تلاش بازیگران برای «حداکثرسازی منافع ملی» محور اصلی سیاستگذاری امنیتی کشورها بوده است. در سال‌های پس از جنگ سرد افزون‌بر تغییر ساختار نظام جهانی، نشانه‌هایی از کنش رقابتی نو بین گروه‌های هویتی به وجود آمد. قالب‌های هویتی در برخی از حوزه‌های جغرافیایی از انعکاس و فراگیری بیشتری برخوردار است. هر اندازه روندهای توسعه اجتماعی و اقتصادی با سرعت کمتری حرکت کند، زمینه شکل‌گیری قالب‌های تعارض هویتی جدید در مقیاس فراگیرتری به وجود می‌آید. تنوع گروه‌های قومی، زبانی، هویتی، مذهبی و تاریخی در جنوب غرب آسیا عامل اصلی بسیاری از تضادهای موجود امنیتی است. هر یک از درگیری‌های موجود دارای ریشه‌های تاریخی پیشین و گذشته‌گرا بوده است.

«مسلمانان سنی و شیعه، مسیحیان و یهودیان، اعراب، ترک‌ها و فارس‌ها؛ آذری‌ها و کردها و دروزی‌ها، علوی‌ها و مارونی‌ها؛ سیاهان نیل و اعراب سودانی؛ بادیه‌نشین‌ها و کشاورزان؛ بنیادگرایان مذهبی و سکولارها همگی بخشی از دورنمای انسانی خاورمیانه هستند. به هر حال، این بخش‌های متفاوت به جای آنکه ترکیبی منسجم را تشکیل دهند، در یکدیگر تداخل دارند، به گونه‌ای که اصطکاک پیدا می‌کنند و به‌سختی در چارچوب‌های ملی می‌گنجند. نزاع‌های قومی، مذهبی و نژادی به‌واسطه این تفاوت‌ها با اختلاف در مورد منابع کمیاب آب و زمین‌های قابل کشت و نیز ادعا بر منابع نفت و گاز طبیعی تشدید گشته است» (کوهن، ۱۳۸۷: ۶۵۳). جونز به این موضوع اشاره دارد که هرگاه قالب‌های هویتی ظهور پیدا کند، معادله قدرت و ائتلاف‌های امنیتی با تغییراتی روبه‌رو خواهد شد. محور اصلی کنش بازیگران در سده بیست‌ویکم بیش از آنکه بر اساس شکل‌بندی‌های ساختاری وستفالی قرار داشته باشد، بر اساس نشانه‌هایی از کنش هویتی معنا پیدا می‌کند. جنگ داخلی در یمن، بحران‌های پایان‌ناپذیر عراق و ستیزش‌های خشونت‌آمیز سوریه را می‌توان در زمره واقعیت‌های هویتی دانست که نبردهای جدید را شکل داده است (Wagner, 2011: 1298).

در فضای نامتعادل، کشورها بدون نقشه راه سفر خواهند داشت. ارزیابی بحران‌های یمن، عراق، سوریه و اوکراین بیانگر این واقعیت است که بخش چشمگیری از تضادهای محیطی بر اساس «کنش فراهویتی» شکل گرفته و بازتولید شده است. قالب‌های معنایی و هویتی، مخاطبان خود را برای شکل‌گیری نظم جدیدی بسیج می‌کند. هر نظم جدید در عصر موجود ماهیت

هویتی دارد، به همین دلیل امکان تغییرات ژئوپلیتیکی در روند کوچک شدن کشورها و ظهور واحدهای سیاسی جدید اجتناب‌ناپذیر خواهد بود (Jones, 1999: 73).

با آغاز دهه ۱۹۹۰ و روند فروپاشی اتحاد شوروی زمینه تغییرات ژئوپلیتیکی با قالب‌های فرهنگی، هویتی، روایتی و اسطوره‌ای به‌وجود آمده است. «جونز» در مطالعات خود به این موضوع اشاره دارد که با ذوب شدن توده‌های عظیم یخ جنگ سرد، دیگر دوران تنش‌زدایی وجود نخواهد داشت. ملت‌ها با قالب‌های هویتی متنوع از ائتلاف‌هایشان جدا خواهند شد. شکل جدیدی از ائتلاف‌های سیاسی و منطقه‌ای به‌وجود می‌آید که ماهیت هویتی داشته و تلاش دارد تا روایت‌های جدیدی را محور اصلی کنش سیاسی و امنیتی خود قرار دهد. بخش چشمگیری از تعارض‌های محیط امنیتی خاورمیانه تا شرق آسیا و اروپا تحت تأثیر «روایت‌های متعارض» شکل گرفته است. هر روایت بخشی از واقعیت کنش بازیگران در حوزه اجتماعی، سیاسی و بین‌المللی را منعکس می‌سازد. روایت‌های متعارض را می‌توان از عوامل اصلی شکل‌گیری درگیری‌ها در محیط منطقه‌ای دانست. هر روایتی شکل خاصی از هویت را منعکس می‌کند. هویت‌ها اغلب بر اساس اسطوره‌ها شکل می‌گیرند و روایت‌ها آنان را تقویت کرده و زمینه لازم برای درگیری‌های اجتماعی را امکان‌پذیر می‌سازند. سیاستگذاری هویتی به این دلیل نقش مؤثری در شکل‌بندی‌های امنیت ملی و منطقه‌ای کشورها خواهد داشت که نشانه‌هایی از «کنش ارتباطی» برای «ادراک بین‌الذات» را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. اگر سیاستگذاری هویتی بر اساس ضرورت‌های فرهنگی شکل نگیرد، میان هویت‌های متعارض ستیزهای سختی در خواهد گرفت. این‌گونه تعارض‌ها زمینه‌ساز حوادث پرآشوب است و به شکل‌گیری نشانه‌هایی از عدم تعادل منجر می‌شود. در فضای اجتماعی و بین‌المللی عدم تعادل نشانه‌هایی از دگرگونی‌های پی‌درپی، نبود قطعیت و ستیزش اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

۲. هویت‌های متعارض و بحران‌های اجتماعی نوظهور

بخش چشمگیری از تعارض‌های عصر موجود تحت تأثیر تحول فناورانه و دگرگونی‌های ساختاری نظام بین‌الملل شکل گرفته است. ابزارهای عصر سوم انقلاب فناورانه ماهیت ارتباطی دارد و شکل جدیدی از «آگاهی کاذب» را برای شهروندان به‌وجود می‌آورد. آگاهی کاذب زمانی به‌وجود می‌آید که اندیشه اجتماعی با انتظارات در حال ظهور پیوند یابد. پروژه جدید نظام جهانی بر بازتولید قالب‌های متفاوت فرهنگی و انگاره‌های متعارض شکل گرفته است (Dzarasov & Gritsenko, 2020: 863). بحران‌های اجتماعی نو برآمده همانند ستیزش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بر اساس قانون انتظارات فزاینده شکل گرفته است. در عصر ارتباطات و در شرایطی که شبکه‌های اجتماعی مجازی فعالیت گسترده‌ای دارند، زمینه افزایش انتظارات

به وجود می‌آید. بسیاری از انتظارات نهفته زمینه شکل‌گیری برخی از بحران‌ها را به وجود می‌آورد. در برخی از حوزه‌های جغرافیایی همانند خاورمیانه، زمینه‌های روایتی شکل‌گیری بحران‌های جدید بیش از سایر حوزه‌های جغرافیایی است (کوهن، ۱۳۸۷).

۲. ۱. هویت‌های متعارض و رادیکالیسم اجتماعی

یکی دیگر از نشانه‌های عصر موجود را می‌توان پیدایش رادیکالیسم^۱ دانست. رادیکالیسم جدید ماهیت اجتماعی دارد و از قابلیت لازم برای نقد قالب‌های فرهنگی و هنجاری برخوردار است. تغییرات نسلی به موازات تحول فناوری، زمینه شکل‌گیری «ادبیات زرد» و «کنش فراهنجاری» را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. شاید بتوان به این موضوع اشاره کرد که پیدایش هویت‌های نوین انعکاس فضای رادیکالیزه‌شده ساخت اجتماعی است که دگرگونی‌های جدیدی را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. روند رادیکالیسم، شمار رهبران گمنام را افزایش داده است. رقابت سیاسی ماهیت تعارضی پیدا کرده است و در نتیجه می‌توان شاهد جدال نخبگان و گروه‌های سیاسی بود که در سال‌های ۲۰۱۱ به بعد اهداف کمابیش یکسان و مشترکی را پیگیری می‌کردند. در این شرایط، نخبگان رادیکال، افرادی را که زمینه مطرح شدن آنها وجود داشته است، از میدان به در کرده‌اند. جوامعی که در گذشته دشمنی کمتری را نشان داده‌اند، ممکن است دچار شکاف شوند و زمینه‌های دشمنی و تفرقه بیشتری در آنها شکل بگیرد.

هویت‌های متعارض شکل ویژه‌ای از کنش رفتاری را در روابط بازیگران منعکس می‌سازد. هر هویت می‌تواند مبتنی بر «تصویر من» و «چگونگی کنش‌های متقابل انسانی» باشد. در نتیجه زمینه‌های هماهنگی اجتماعی در آنها متزلزل و کم‌رنگ می‌شود. در چنین شرایطی، پیامدهای جنگ داخلی به کشورهای پیرامون آن هم ممکن است سرایت کند، به‌ویژه زمانی که درگیری‌ها موجب کشته‌های زیادی شوند (نیاکوئی، ۱۳۹۱: ۷۵). در نگرش وبر، هرگونه منطبق کنش اجتماعی می‌تواند در قالب نشانه‌ها و سازوکارهای سنتی، عاطفی و عقلانی حاصل شود. کنش عاطفی مبتنی بر نشانه‌های هنجاری و ارزشی است. در نگرش جامعه‌شناسی به تحولات خاورمیانه، هویت‌ها بر ساخته‌شده گروه‌های اجتماعی است و بر این اساس، شکل جدیدی از رقابت را منعکس می‌سازد. منطق کنش اجتماعی در دوران مختلف مبتنی بر چگونگی قشربندی اجتماعی، تحرک اجتماعی، کشمکش اجتماعی و انواع گروه‌بندی‌های اجتماعی بوده است (افتخاری، ۱۳۸۵: ۱۶۴).

۲.۲. هویت‌های متعارض و آنومی اجتماعی

اندیشه‌های وبر و دورکیم تبیین‌کننده عوامل اجتماعی کنش انسانی به‌شمار می‌آید. هریک از نظریه‌پردازان یادشده در عصر مدرن قرار داشتند و تلاش می‌کردند تا بحران‌های اجتماعی در جامعه صنعتی را تبیین کنند. مهم‌ترین دغدغه آنان چگونگی گسترش مدرنیته در حوزه‌های اجتماعی پراکنده بوده است. کنش سنتی دارای ریشه‌های تاریخی است و بر این اساس می‌تواند بر اهداف و رفتار گروه‌های گسترده‌ای از گروه‌های اجتماعی تأثیر بگذارد. در نگرش دورکیم،^۱ موضوع‌هایی همانند «افزایش جمعیت» و «افزایش حجم مبادله کنش اجتماعی» در زمره موضوع‌هایی است که می‌تواند زمینه‌های لازم برای شکل‌گیری آنومی را فراهم آورد. (Marks, 1974) نشانه‌های ظهور آنومی^۲ در بسیاری از حوزه‌های جغرافیایی مشاهده می‌شود. به قدرت رسیدن زلنسکی و ترامپ نمادهایی از آنومی در عرصه سیاست‌پردازی به‌شمار می‌آید. در نگرش اسپنسر^۳ هرگونه کنش اجتماعی ماهیت «هولستی» و «کل‌گرایانه» دار (دورکیم، ۱۴۰۱).

در نگرش پارسونز،^۴ ساخت‌ها مقدم بر افرادند و می‌توانند بر زمینه‌های کنش اجتماعی افراد مختلف تأثیر بگذارند. ظهور آنومی در ساخت اجتماعی جدید بیانگر آن است که نه تنها کارگزاران و گروه‌های اجتماعی در وضعیت کنش‌گریز از مرکز قرار دارند، بلکه ساختار نیز با قالب‌های هویتی جدیدی پدیدار می‌شود که می‌تواند هویت‌های متعارض را در فضای کنش ارتباطی بازتولید کند (Parsons, 1967). این‌گونه هویت‌ها که در فضای آنومی شکل می‌گیرند، ماهیت تعارضی دارند و دشمنی‌ها را بازتولید می‌کنند. واقعیت آن است که هرگونه کنش هویتی می‌تواند زمینه رفتار جدیدی را در حوزه‌های گروه‌های اجتماعی فراهم سازد. پیدایش نیروهای متعارض، جامعه و ساختار را از فضای عقلانی و محاسباتی خارج کرده و زمینه شکل‌گیری هویت‌های ناپایدار و آگاهی کاذب را فراهم می‌سازد. شاید بتوان هویت‌های متعارض نوظهور و آشوب‌ساز جدید را بر اساس قالب‌های ادراکی و رهیافت پارتویی مبتنی بر «جامعه‌شناسی کنش غیرمنطقی» تبیین کرد. کنش غیرمنطقی موردنظر پارتو،^۵ مجموعه کنش‌هایی را در برمی‌گیرد که اغلب از پوشش منطقی برخوردارند. درحالی‌که کنش غیرمنطقی مبتنی بر نشانه‌هایی از رفتار گریز از مرکز بازیگران را منعکس می‌سازد. کنش‌گریز از مرکز مربوط به شرایطی است که گروه‌های هویتی به‌گونه تدریجی در وضعیت بلا تکلیفی قرار می‌گیرند. بلا تکلیفی حاصل چگونگی پیوند کنش منطقی و کنش غیرمنطقی خواهد بود. هرچه

1. Émile Durkheim
2. Anomie
3. Herbert Spencer
4. Talcott Parsons
5. Vilfredo Pareto

عرصه کنش ارتباطی شهروندان افزایش بیشتری پیدا کند، امکان ظهور کنش غیرمنطقی بحران‌ساز و تعارضی به‌گونه چشمگیری افزایش می‌یابد. در نگرش پارتو، «اقتصاد» نماد کنش منطقی است (Pareto, 1897, Pareto, 1927). علت اصلی کنش منطقی در حوزه اقتصاد را می‌توان سازوکارهای محاسبه منطقی مبادله در بازار دانست. درحالی‌که سیاست و جامعه‌شناسی را پارتو در حوزه «کنش غیرمنطقی» تقسیم می‌کند (اجلالی، ۱۳۹۸). در سال‌های پس از جنگ سرد، قالب‌های فرهنگی و هویتی متعارض اغلب بر پایه نشانه‌های تضاد ایدئولوژیک و مذهبی در برخی از کشورهای جنوب غرب آسیا گسترش بیشتری پیدا کرده است. انعکاس چنین فضایی را می‌توان در بحران‌های سوریه و عراق مشاهده کرد.

۳.۲. آرمان‌های اجتماعی و کنش‌های ایمانی

بخشی از رفتار سیاسی گروه‌های اجتماعی خاورمیانه با آرمان‌های فرهنگی و قالب‌های ایمانی پیوند یافته است. ظهور نشانه‌هایی از هویت منازعه‌گرا را می‌توان انعکاس کنش ایمانی افرادی دانست که از انگیزش لازم در کاربرد خشونت برخوردارند. خشونت در خاورمیانه به‌گونه تدریجی گسترش پیدا کرده و به نیروی سیاسی برهم‌زننده وضع موجود منجر شده است. گسترش خشونت به‌گونه اجتناب‌ناپذیر با ظهور نشانه‌هایی از ایمان سیاسی جدید پیوند یافته است.

در سال‌های جنگ سرد، قراردادهای نظامی و امنیتی روسیه با سوریه و عراق، محور اصلی کنترل محیط امنیت منطقه‌ای بود. هرگاه بحران‌های منطقه‌ای شکل می‌گرفت، قدرت‌های بزرگ نقش تعیین‌کننده‌ای در مدیریت بحران ایفا می‌کردند. چنین فرایندی به تدریج تحت تأثیر معادله قدرت و تغییرات در محیط ساختاری دگرگون شد. در شرایط جدید، موضوع‌های هویتی همانند ایمان نقش تعیین‌کننده‌ای در سیاست بازیگران منطقه‌ای ایفا کرد. بر پایه انگاره‌های جدید، محور اصلی سیاست را دستور خداوند تشکیل می‌داد. سرپیچی از دستور خداوند، معصیت و گناه در نظر گرفته می‌شد (لوئیس، ۱۳۹۸: ۱۷۲). برنارد لوئیس در پژوهش‌های خود به این موضوع اشاره می‌کند که عناصر جدیدی به موازات عقلانیت راهبردی بر امنیت‌سازی اجتماعی و منطقه‌ای تأثیر به‌جا می‌گذارد. به اعتقاد لوئیس در سده بیست‌ویکم شاهد پیوند ساختار، عقلانیت راهبردی، قدرت با هویت و ایمان هستیم. موضوع، نشانه‌ها و کارکرد هویت، ایمان و قدرت با تغییرات بنیادین و همه‌جانبه‌ای روبه‌رو شده است. بازیگران هویتی موقعیت خود را در جنوب غرب آسیا گسترش داده‌اند و به این ترتیب موازنه هویتی با تغییراتی همراه شده است. پیدایش بازیگران هویتی، شکل جدیدی از معادله قدرت را بازتولید می‌کند.

بخش چشمگیری از بحران منطقه‌ای غرب آسیا تحت تأثیر رویارویی هویتی بازیگران قرار گرفته است. در چنین شرایطی، زمینه ظهور جنگ‌های نیابتی به وجود می‌آید. در نگرش جونز، تحلیلگرانی که زمانی در مورد چگونگی کنش بازیگران در سیاست جهانی از نظریه‌های قطعی بهره می‌گرفتند، هم‌اکنون دچار هراس و ابهام شده‌اند. آنان شاهد واقعیت‌های جدیدی هستند که بازیگران حاشیه‌ای و پیرامونی می‌توانند بر روندهای سیاست قدرت تأثیرگذار باشند (جونز، ۱۳۹۰: ۳۰۲).

۳. روایت‌ها و سیاستگذاری هویتی در سده بیست و یکم

سیاستگذاری امنیت ملی از زمان وستفاليا تا دهه ۱۹۹۰ مبتنی بر نشانه‌هایی از موازنه قدرت بوده است. مفاهیمی همانند دولت‌گرایی، منافع ملی و قدرت ملی عناصر اصلی هرگونه سیاستگذاری در نظر گرفته می‌شد. در فضای عصر ارتباطات، زمینه برای شکل‌گیری نشانه‌های جدیدی از قدرت و تهدید پدیدار شده است که تأثیر خود را بر قالب‌های موازنه جدید به جا می‌گذارد. هرگونه کنش بازیگران همانند ائتلاف اسرائیل با کشورهای عربی را می‌توان انعکاس شکل جدیدی از موازنه دانست که مبتنی بر روایت‌های نوظهور است. روایت‌های جدید محور اصلی سیاستگذاری هویتی به‌شمار می‌آید. هر روایتی مبتنی بر توصیف جدیدی از واقعیت است. کشورهای عربی به این دلیل همکاری‌های مشترک با اسرائیل علیه ایران را شکل می‌دهند که روایت آنان از قدرت، تهدید و منافع متفاوت از عصر گذشته است. شاید بتوان علت اصلی آن را در ظهور پارادایم جدیدی دانست که در اندیشه «آلن تورن»^۱ بازتولید شده است. در این نگرش، هرگونه اعتراض اجتماعی در قالب نیروهای هویتی شکل گرفته و بازتولید شده است.

جنبش‌های آزادی‌بخش ملی تصویری به‌واقع ناهمگون به وجود می‌آورند. این جنبش‌ها به ندرت از گرایش‌های دموکراتیک الهام گرفته‌اند. با وجود این از حمایت افکار عمومی دموکراتیک نیز برخوردار می‌شوند؛ جنبشی که به شدت دموکراتیک است، ولی نتایج و پیامدهای غیردموکراتیک را منعکس می‌سازد. در این شرایط زمینه برای بازگشت امر سیاسی به وجود می‌آید. تحلیل انتقادی دولت به فراموشی وضعیتی منجر شده است که باید آن را ناشی از فضای اجتماعی دانست (تورن، ۱۳۹۶: ۹۰). فضای اجتماعی جدید نشانه‌هایی از هویت را منعکس می‌سازد. هویت‌های نوظهور مرز میان دولت ملی، ملی‌گرایی (ناسیونالیسم) و قدرت اجتماعی را نشان می‌دهد. تجربه جامعه به‌عنوان یک مدل جهانی، تأثیر خود را بر فضای سیاسی به جا می‌گذارد. پارادایم جدید در شرایطی شکل می‌گیرد که مبتنی بر نشانه‌هایی از

همبستگی اجتماعی و ساختاری خواهد بود. موج‌های جدید زمینه عبور از انسجام‌های ساختاری را به وجود می‌آورد. در عصر موجود سلطه تاریخ‌نگاری در تبیین تحولات جدید از بین رفته است (Amenta et al., 2010: 295).

۱.۳. چرخش مدرنیته و بی‌نظمی جدید

بی‌نظمی جدید اجتماعی را می‌توان حاصل چرخش مدرنیته دانست. به همان‌گونه‌ای که تحول اقتصادی و فناورانه توانست زیرساخت‌های جامعه مدرن را به وجود آورد، نشانه‌هایی از ظهور بازیگری نیروهای اجتماعی گریز از مرکز در همه جا مشاهده می‌شود. عبور از هنجارها را می‌توان در خیابان‌های بسیاری از کشورهای خاورمیانه و حتی توسعه‌یافته صنعتی مشاهده کرد. در سومین دهه سده بیست و یکم، تفکر اجتماعی با چرخش‌های جدی روبه‌رو شده است. مدل اجتماعی مدرنیته به تدریج کارکرد خود را در کشورهای صنعتی و حوزه‌های پیرامونی از دست می‌دهد. وضعیت جنگ نیز تغییر پیدا کرده است. دولت‌های بوروکراتیک، پایه‌های الیگارشی جدیدی را بنا نهاده‌اند که قدرت جامعه را نادیده گرفته و از گروه‌های اجتماعی نیروهای ناتوانی تولید کرده‌اند که قادر به حفاظت از خود نخواهند بود؛ به همین دلیل است که جنگ‌ها نمی‌تواند ماهیت اسطوره‌ای داشته باشد. بسیاری از درگیری‌های عصر موجود ماهیت ضد اسطوره‌ای دارد.

چرخش مدرنیته، نه تنها بی‌نظمی جدیدی را به وجود آورده، بلکه ماهیت و ساختار موازنه قدرت را نیز تحت تأثیر قرار داده است. زیرساخت هرگونه تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری راهبردی را موضوع قدرت و شکل‌بندی موازنه قدرت تشکیل می‌داد. موازنه قدرت تحت تأثیر موضوع‌های هویتی در بسیاری از کشورهای غرب آسیا همانند سوریه و عراق دگرگون شده و تحت تأثیر نیروهای آشوب‌سازی قرار گرفته است که امنیت‌سازی را بر پایه ضرورت‌های «موازنه تهدید» اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. در فضای بی‌نظمی جدید، دولت ضعیف شانس چندانی برای بقا ندارد و به دولت ورشکسته تبدیل می‌شود. در سال‌های گذشته نشانه‌های مشخص و نیرومندی در تضعیف هرچه بیشتر ساختار دولت-ملت کشورهای خاورمیانه شکل گرفته است که تأثیر خود را بر ذات دولت و الگوی رفتاری آن در محیط اجتماعی به جا می‌گذارد. هویتی شدن درگیری‌ها در حقیقت به معنای شکست دوباره پروژه شکل دادن به مفهوم ملت به‌عنوان هویتی فراتر از هویت‌های زیرملی و فراملی و به معنای شکست پروژه سازماندهی مناسبات منطقه‌ای ذیل اقتدار و حاکمیت دولت ملی خواهد بود.

نتیجه آنکه خیزش‌های هویتی برای بسیاری از کشورهای منطقه به معنای تباهی سیاسی در نگرش هانتینگتونی خواهد بود. هرگونه تباهی سیاسی به مفهوم شرایطی است که مطالبات

اجتماعی گروه‌های حاشیه‌ای بیش از اقتدار دولت و یا نهادهای سیاسی باشد. طبیعی است که در چنین کشورهایی نشانه‌هایی از آشوب سیاسی به‌وجود می‌آید. هرگونه آشوب می‌تواند زمینه‌های لازم برای گذار از خلأ قدرت و تحلیل رفتن هرچه بیشتر قواعد تثبیت‌کننده نظم منطقه‌ای را به‌وجود آورد. برخی نظریه‌پردازان موضوع‌های هویتی همانند کاستلز به این مسئله توجه دارند که هویت‌خواهی پس از جنگ سرد بیش از آنکه شکلی تمدنی داشته باشد، مقوله‌ای از جنس هویت‌های قومی و مذهبی است. هویت‌های تاریخی رقابتی در محیط‌هایی چون خاورمیانه، آفریقا، جنوب آسیا، آسیای مرکزی و قفقاز و در نهایت شرق اروپا در سال‌های پس از جنگ سرد شکل گرفته است. این وضعیت به‌خصوص در جوامعی که ساخت سیاسی و اجتماعی بر پایه نشانه‌های استعماری و فرااستعماری هستند، به‌عنوان نیروی محوری آشوب‌ساز تلقی می‌شود.

۳. ۲. دولت ضعیف و آشوب‌های نوظهور هویتی

ضرورت‌های قدرت‌سازی ایجاب می‌کند که کشورها بتوانند بین منابع، تهدیدها و مطلوبیت‌های خود رابطه متقابل و مؤثری برقرار کنند. این‌گونه روابط، بخشی از موازنه تهدید خواهد بود. موازنه تهدید بیش از آنکه بر اساس معادله قدرت شکل بگیرد، نشانه‌هایی از تعارض هویتی را منعکس می‌سازد. موازنه تهدید به‌عنوان ائتلاف‌سازی جدید گروه‌هایی است که ناسیونالیسم هویتی را شکل می‌دهند. گام نخستین درگیری‌های هویتی و فرهنگی در دهه سوم سده بیست‌ویکم بر اساس پیدایش ناسیونالیسم هویتی شکل گرفته بود که نشانه‌های آن در بحران اوکراین مشاهده می‌شود. چرخش مدرنیته آشوب‌های سیاسی جدیدی را بازتولید کرده است. ایمان و هنجارهای آرمانی به ابزار منازعه خشونت‌آمیز تبدیل شده است. در این دوران تنش میان گروه‌های مذهبی بالا گرفته و این امر سطح ارتباط بازیگران را در حد جنگ میان دو کشور ارتقا داده است. رابرت کاپلان که موضوع مربوط به «هرج و مرج جهانی» را تبیین کرده است، مشابهت زیادی دارد. روندهای منطقه‌ای و جهانی در فضای بحران هویتی که مؤلفه‌های ساختاری، اجتماعی، فرهنگی و ایدئولوژیک را با یکدیگر پیوند می‌دهند، همخوانی و هماهنگی دارد.

چالش‌های هویتی در شرایطی پدیدار می‌شوند که نشانه‌هایی از دولت ضعیف شکل بگیرد. دولت ضعیف را باید نمادی از کنش بازیگرانی دانست که از انگیزه لازم برای نقش‌یابی سیاسی برخوردارند، ولی قابلیت لازم برای ساخت‌یابی را ندارند. هویت‌های فراملی به تدریج قدرت بیشتری پیدا می‌کند و زمینه شکل‌گیری دولت ضعیف را به‌وجود می‌آورد. نشانه‌های دولت ضعیف در بسیاری از کشورهای خاورمیانه و حتی در ایالات متحده مشاهده می‌شود. دولت

ضعیف قادر به انسجام‌بخشی اجتماعی نخواهد بود. دولت ضعیف نمی‌تواند نیروهای جدیدی را شکل دهد که تأثیر خود را بر فضای اجتماعی و ساختاری به‌جا بگذارد. هویتی شدن درگیری‌ها و برآمدن نیروهای هویت‌بنیاد اعم از نیروهای قومی و محلی، طبقاتی و نیروهای بنیادگرا در خاورمیانه عامل اصلی بی‌نظمی جدید به‌شمار می‌آید. بی‌نظمی جدید نه تنها ماهیت ساختاری دارد، بلکه تأثیر خود را در روابط اجتماعی و الگوی کنش‌گرایز از مرکز شهروندان به‌جا می‌گذارد.

جنوب غرب آسیا به‌منزله محیط به‌شدت آشوبناک، از اصلی‌ترین مناطقی است که همواره شاهدهی بر اهمیت مؤلفه‌های فرهنگی و هویتی در تحلیل سیاسی تلقی شده است. اهمیت مؤلفه‌های فرهنگی و هویتی در شکل دادن و جهت دادن به روند درگیری‌های متنوع زیرملی، ملی و فراملی در منطقه در سال‌های پس از جنگ سرد افزایش بیشتری یافته است. کاستلنز ملی‌گرایی مبتنی بر قومیت و بنیادگرایی را از نمونه‌های مشخص هویت مقاومت می‌داند که در واکنش به احساس بیگانگی و تبعیض قومی و مذهبی پرورده می‌شوند و نوعی هویت دفاعی در برابر نظم مستقر تلقی می‌شود. سیاستگذاری راهبردی ایران در حوزه آسیای جنوب غربی با رهیافت سائول کوهن پیوند دارد. کوهن تلاش می‌کرد تا روندهایی را تبیین کند که معادله قدرت و امنیت را در محیط پرمخاطره و بدون ساختار منعکس سازد. رهیافت کوهن بر اساس شکل‌بندی‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک پیوند یافته است. به همین دلیل چنین رهیافتی ماهیت راهبردی دارد. هرگونه نقش‌یابی بازیگران در محیط منطقه‌ای، تأثیر خود را در الگوی رفتار سایر کشورها به‌جا می‌گذارد و الگوی کنش بازیگران منطقه‌ای و قدرت‌های بزرگ را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

سائول کوهن در تبیین ویژگی‌های عمومی غرب آسیا، آن را منطقه‌ای می‌داند که در بخش غربی هلال بی‌ثباتی ژئواستراتژیک و نوار شکننده خاورمیانه قرار دارد؛ منطقه‌ای که به‌تدریج واگراتر و بی‌ثبات‌تر از آسیای جنوبی است. نفوذ قدرت‌های بزرگ در این منطقه کاهش یافته و شکاف‌های محیطی تشدید شده است. گروه‌های اجتماعی آن دامنه گسترده‌ای از گروه‌های دینی مسلمانان سنی، شیعه، مسیحیان، کردها، دروزی‌ها و علوی‌ها را در برمی‌گیرد که همخوانی چندانی با یکدیگر ندارند (کوهن، ۱۳۸۷: ۶۵۳). باری بوزان در پژوهش‌های خود به این جمع‌بندی رسید که بخش چشمگیری از درگیری‌های سال‌های دهه ۱۹۹۰ به بعد تحت تأثیر مؤلفه‌های هویتی و ساختاری قرار دارد. در تحلیل بوزان نمی‌توان ساختار و هویت را برای تبیین واقعی موضوع‌های راهبردی از یکدیگر تفکیک کرد. بر پایه نگرش بوزان، هویت، موتور محرک کنش بازیگران به‌شمار می‌آید، درحالی‌که ساختار نقش تعادل‌بخش کنش بازیگران را عهده‌دار خواهد بود (بوزان، ۱۳۸۹: ۱۴۵).

۳.۳. چالش‌های امنیت ملی ایران در عصر بحران‌های هویتی

چالش‌های هویتی از واقعیت‌های اجتناب‌ناپذیر کشورهایی همانند ایران است. ارزیابی محیط اجتماعی بیانگر آن است که دانش اثباتی و آزمون‌پذیر کارکرد خود را از دست داده است. بازیگران و نیروهای اجتماعی با بسیاری از شاخص‌های ساخت قدرت و تاریخ سیاسی خود بیگانه شدند. در این دوران انگاره‌های متفاوتی نسبت به اسلام سیاسی بازتولید شده است که زمینه ظهور سوژه‌های جدیدی را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. سوژه‌های جدید به تدریج قدرت و مخاطب کنش ضدساختاری پیدا می‌کنند.

تمامی موارد یادشده بیانگر این واقعیت است که حوزه امنیت ملی ایران با تحولات کشورهای منطقه‌ای پیوند یافته است. ایران به لحاظ ژئوپلیتیکی در «حوزه پیرامونی سیستم تابع منطقه‌ای» قرار دارد. کشورهایی که در چنین شرایطی مبتنی بر بحران، تعارض و منازعه نیروهای اجتماعی رقیب واقع می‌شوند، اغلب نشانه‌هایی از بحران، تهدید و غافلگیری امنیتی را بازتولید خواهند کرد. نشانه‌هایی از ابزار سلطه مجازی و غیرعینی در فضا، شبکه‌ها و نیروهای اجتماعی جدید مشاهده می‌شود. هریک از مؤلفه‌های یادشده ساخت دولت را با چالش‌های جدید روبه‌رو می‌سازد (Calderaro & Craig, 2020: 845). نارضایتی اجتماعی یکی دیگر از چالش‌های امنیتی ایران به‌شمار می‌آید. بسیاری از نشانه‌های نارضایتی اجتماعی تأثیر خود را در قالب‌های ادراکی منعکس می‌سازد. آلن تورن به این موضوع اشاره می‌کند که امروز موضوع اخلاق کمتر از هر زمان دیگر رنگ و بوی اجتماعی دارد، زیرا اخلاق اجتماعی جدید به قوانین جامعه حکومت و ساخت سیاسی بدبین است و نشانه‌هایی از پیش‌داوری را در مورد چگونگی نسبت خود با دیگران تولید می‌کند (تورن، ۱۳۹۶: ۱۷۱). نارضایتی اجتماعی تنها حوزه فرهنگی و سیاسی ایران را در برنمی‌گیرد. واقعیت آن است که تصویر فرد و زمامدار در ذهن بسیاری از شهروندان تغییر یافته است. گروه‌های اجتماعی از انگیزه ویژه‌ای برای فردیت خود برخوردارند. فردیت به این معنا نیست که در تعارض با حقوق مدنی، فرهنگی و اجتماعی باشد. درحالی‌که نارضایتی‌های اجتماعی ناشی از تضادهای قومی، فرهنگی و نژادی نه تنها در ایران، بلکه در بسیاری از کشورهای محیط منطقه‌ای ظهور یافته و گسترش می‌یابد.

افکار عمومی اعراب سراسر منطقه در مورد فساد، حکومت‌های سرکوبگر و رشد اقتصادی ضعیف نگرانی‌های مشابهی دارند. در بسیاری از کشورها، مثل عراق و لبنان، شکاف‌های فرقه‌ای و قومی موجب پیچیده شدن سیاست‌ها و عقاید ضدحکومتی شده است. همان‌طور که بهار عربی نشان داد، اعتراض گروه‌های اجتماعی علیه نظام سیاسی و رهبران اقتدارگرا به تثبیت گام نخست انقلاب اجتماعی منجر شد. از سوی دیگر، نارضایتی‌های اجتماعی که به

جابه‌جایی قدرت در یک کشور انجامید، روند شورش را در کشورهای دیگر تسریع کرد (Allagui & Kuebler, 2011: 1438).

۳.۴. ناسیونالیسم هویتی و درگیری‌های جدید

ناسیونالیسم هویتی ریشه بسیاری از اختلاف‌ها و تضادهای سیاسی را در فضای تاریخی و اجتماعی منعکس می‌سازد. حقوق فرهنگی ناظر بر حق انتخاب زبان، عقیده و راه و روش مستقل شهروندان در زندگی خواهد بود. جنسیت از موضوع‌های اصلی ناسیونالیسم هویتی و موضوع‌های جدید تلقی می‌شود. ایده‌های جدید از مدرنیته ظهور یافته که از قابلیت لازم برای افزون‌زدایی سوژه‌های آرمانی گروه‌های شهروندی برخوردارند و شکل جدیدی از منازعه هویتی در قالب ناسیونالیسم جدید پدیدار می‌شود.

ناسیونالیسم نو در جهانی نمایان شده است که ساختار و جوامع ناهمگن دارند و از قابلیت لازم برای انسجام و همبستگی ساختاری برخوردار نیستند. سوژه اجتماعی مفهومی انتزاعی پیدا کرده است که بدون آگاهی است یا اینکه از قالب‌های آگاهی کاذب برخوردار می‌شود. تصویر فرهنگی جوامع موجود در مقایسه با شکل‌بندی‌های ساختاری جدید که از انسجام برخوردار بود، به طرز حیرت‌انگیزی سطحی، فردی و متزلزل شده است (Volpi & Gerszewski, 2020: 813). ناسیونالیسم جدید عامل انسجام‌گرای ساختاری به‌شمار نمی‌آید. ناسیونالیسم جدید ماهیت ضدساختاری دارد و مبتنی بر نشانه‌هایی از تضاد هویتی است. تضاد هویتی در کشورهایی شکل می‌گیرد که نخست از جغرافیای گسترده برخوردارند، دوم این‌که منابع اقتصادی گوناگون دارند، و سوم این‌که در یک دوران تاریخی از توانایی لازم برای بسیج گروه‌های اجتماعی فراگیری برخوردارند. شکل نوینی از ناسیونالیسم در ایران، عربستان و ترکیه پدید آمده است که از استعداد لازم برای بازتولید ستیزش‌های هویت‌بنیاد برخوردار است. بحران اوکراین نشانه‌هایی از ستیزش ناسیونالیسم جدید را منعکس می‌سازد. ناسیونالیسم هویتی جدید اغلب از ابزارها و قابلیت‌های لازم برای ستیزش، دشمنی‌های نوین و درگیری نظامی برخوردار است. ولش و تورن در پژوهش‌های خود به این جمع‌بندی رسیدند که هرگونه ستیزش فرهنگی می‌تواند زیرساخت‌های لازم برای درگیری‌های نظامی را به‌وجود آورد. علت آن را باید در پیدایش نیروهای جدید اجتماعی دانست. کاپلان موضوع «ملی‌گرایی ناسازگار» را تبیین می‌کند و آن را زیربنای هرگونه هرج و مرج منطقه‌ای می‌داند (Kaplan, 2014; Kaplan 2017).

یکی دیگر از دلایل اصلی پیدایش ناسیونالیسم شکننده را باید تغییر در معادله قدرت دانست. معادله قدرت در بسیاری از کشورهای جهان در حال تغییر است. آلیسون مفهوم

«جنگ محتوم» را در تبیین روابط آمریکا و چین در آینده نزدیک ارائه می‌دهد. آلیسون به این موضوع اشاره می‌کند که رؤیاهای چین آشکار می‌شود و این امر ایالات متحده را در فضای «تله توسیدید» قرار می‌دهد. تله توسیدید انعکاس تغییرات تکتونیک اجتماعی، ساختاری، تکنولوژیک و راهبردی به‌شمار می‌آید (آلیسون، ۱۳۹۹: ۷). یکی از دلایل اصلی حمله نظامی روسیه به اوکراین را می‌توان ناشی از افول قدرت آن کشور دانست. واقعیت آن است که ایالات متحده و کشورهای ناتو نیز نتوانستند در برابر اقدام تهاجمی روسیه واکنش نشان دهند. نتیجه چنین وضعیتی را می‌توان پیدایش شکل جدیدی از منازعه‌ای دانست که ماهیت فرهنگی، هویتی، ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیک دارد. اگرچه اوکراین و روسیه دوران تاریخی طولانی در کنار یکدیگر قرار داشتند، واقعیت‌های مربوط به ناسیونالیسم جدید افسانه‌های نوینی را تولید کرد که اسطوره همکاری ژئوپلیتیکی گذشته را پایان دهد و زمینه ظهور نشانه‌هایی از جدایی را اجتناب‌ناپذیر سازد (Hart, 2008: 28).

بحران اوکراین دارای ریشه‌های سیاسی و ژئوپلیتیکی دیگری در خاورمیانه بوده است. ناسیونالیسم جدید رابطه مستقیم و درهم‌تنیده‌ای با هویت، فرهنگ و چالش‌های اجتماعی نوظهور دارد. هرگاه دولت‌های منطقه‌ای با نشانه‌ای از افول قدرت همراه شوند، زمینه پیدایش تضادهای سیاسی و امنیتی جدید به‌وجود می‌آید. نقش‌یابی قدرت‌های بزرگ در محیط‌ها و مناطقی حاصل می‌شود که از قابلیت لازم برای اثربخشی در محیط منطقه‌ای برخوردارند. بخشی از سیاست‌های امنیتی و راهبردی ایالات متحده در حوزه جنوب غرب آسیا، رابطه متقابل و درهم‌تنیده‌ای با معادله قدرت و بحران‌های منطقه‌ای دارد. راهبرد آمریکا در جنوب غرب آسیا معطوف به ایجاد بحران‌های هویتی و حاشیه‌ای بوده است (برزگر، ۱۳۹۷: ۴۱).

۴. سیاستگذاری موازنه هنجاری و هویتی

سیاستگذاری هویتی در دهه سوم سده بیست‌ویکم بر پایه قالب‌ها و مفاهیم هنجاری شکل می‌گیرد. روایت‌ها و اسطوره‌ها تابعی از قالب‌های هنجاری هر کشور است و در فضای اجتماعی آنان بازسازی می‌شود. به همان‌گونه‌ای که موازنه قدرت از سازوکارهای اصلی سیاستگذاری امنیتی و راهبردی کشورها در ساختار جنگ سرد شمرده می‌شد، می‌توان به این موضوع اشاره کرد که سیاستگذاری موازنه هنجاری و هویتی را می‌توان محور اصلی امنیت‌سازی در دهه سوم سده بیست‌ویکم دانست. هانتینگتون در تبیین ضرورت‌های راهبردی آمریکا در سال‌های پس از جنگ سرد به این موضوع اشاره دارد که در عصر پس از جنگ سرد، شاهد احیای دوباره هویت‌های فراموش‌شده خواهیم بود. در این دوران، تضادهای تاریخی کهن و «خویش‌نمایی» دوباره‌ای شکل می‌گیرد و ملت‌ها در «جست‌وجوی هویت یا

بازآفرینی قومیت خویش» برمی‌آیند. در چنین شرایطی، الگوهای همبستگی، واگرایی و درگیری‌ها در نظم‌های منطقه‌ای با تغییرات بنیادین روبه‌رو می‌شود. معادله قدرت بیش از آنکه بر اساس سازوکارهای ابزاری سنجیده شود، تابعی از چگونگی کنش نیروهای اجتماعی رادیکال‌شده بوده است.

بروک و همکاران در پژوهش‌های خود مفهوم «سیاست هویت» را به‌عنوان موتور پویای کنش واحدهای سیاسی خاورمیانه در نظم منطقه‌ای جدید بررسی کردند. بخش زیادی از کشورهای این منطقه که در معرض جنبش‌های اجتماعی رادیکال قرار گرفته‌اند، در دوران گذشته با نشانه‌هایی از «بحران هویت» روبه‌رو بوده‌اند. بحران هویت تحت تأثیر موج‌های سریع مدرنیزاسیون شکل گرفته است. هویت‌های گروهی در عصر موجود، بر اساس جداسازی نیروهای اجتماعی در قالب «خود و دیگری» معنا پیدا کرده است (بروک و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۸۴).

۴.۱. انتخاب عقلایی و انگیزه‌های کنش جماعت‌گرایانه

جامعه و گروه‌های اجتماعی سوژه اصلی رقابت‌های سیاسی سده بیست‌ویکم به‌شمار می‌آید؛ به همان گونه‌ای که ساختار و حساسیت‌های فرهنگی کشورها نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای در آینده کنش سیاسی آنان ایفا می‌کند. بحران اوکراین به این دلیل شکل گرفت که زلنسکی درباره حساسیت‌های فرهنگی، قومی و راهبردی روسیه وقوف چندانی نداشت؛ در کشوری چندهویتی زندگی می‌کرد، ولی تلاش می‌کرد تا بخشی از واقعیت‌های هویتی محیط اجتماعی را نادیده بگیرد و از سازوکارهای گریز از مرکز استفاده کند.

بخش زیادی از نظریه‌های سیاستگذاری هویتی معطوف به این نکته است که کشورها، بازیگران و کارگزاران راهبردی هر واحد سیاسی باید از کاربرد مفاهیم تهدیدساز اجتناب ورزند. وقتی دولتمردان منافع کشور را به ورای مرزها گسترش می‌دهند، اغلب، به‌جای تبیین انگیزه‌های سلطه‌جویانه مبتنی بر اقتدار فراملی، همه به این موضوع توجه دارند که تحرک رفتاری آنان ماهیت امنیتی دارد. چنین رویکردی به مفهوم نادیده گرفتن ضرورت‌های امنیتی سایر بازیگران است. در چنین شرایطی، امنیت‌سازی کاری دشوار و پرمخاطره به‌شمار می‌آید (Howard, 2011: 95). در فرایند پیدایش قالب‌های هویتی، نشانه‌هایی از تهدید شکل می‌گیرد که چالش‌های امنیتی کشورها را بازتولید می‌کند. واقع‌گرایی همیشه به‌دلیل دشواری در عملیاتی کردن پیش‌بینی‌هایش، تضعیف می‌شود. کمابیش رفتار همه دولت‌ها در گذشته از راه واقع‌گرایی، درست به همان شکلی که نظریه انتخاب عقلانی می‌تواند هر انتخاب یک بازیگر را توضیح دهد، یعنی از راه تعریف پس از واقعه و هوشمندانه از هزینه و سود، تحلیل شود.

درگیری‌های هویتی زمینه افول دولت قوی در جنوب غرب آسیا را به وجود آورده است. دولت قوی در شرایطی شکل می‌گیرد که انسجام فرهنگی، اجتماعی و ساختاری داشته باشد. کاهش نقش دولت در جنوب غرب آسیا مربوط به پیدایش بازیگرانی است که هر یک از آنان شکل ویژه‌ای از هویت‌یابی امنیتی، رفاهی و اقتصادی را ارائه می‌دهد. در چنین فرایندی، هرگونه هویت منازعه بخشی از واقعیت‌های سیاست، امنیت و قدرت به‌شمار می‌آید (Huisken, 2021: 91). آسیب‌های امنیتی کشورهایی که انسجام اجتماعی خود را از دست داده‌اند، به حوزه‌های اجتماعی نیز منتقل می‌شود. واقعیت آن است که حاکمیت به مفهوم هابزی و بدن در سده بیست‌ویکم با تغییرات بنیادین روبه‌رو شده است. حاکمیت به مفهوم اقتدار دولت برای کنترل مداخله بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی نیست. حاکمیت‌های سیاسی در مناطق بحرانی به موازات تضادهای هویتی حفظ شده است. تداوم بحران‌های منطقه‌ای تحت تأثیر پیوند تضادهای هویتی، نقش‌یابی بازیگران منطقه‌ای همانند ایران و عربستان و الگوهای کنش راهبردی قدرت‌های بزرگ خواهد بود.

۲.۴. سیاستگذاری اجتماعی و مدیریت بحران‌های هویتی

یکی از سازوکارهای بنیادین امنیت‌سازی در دهه سوم سده بیست‌ویکم بهره‌گیری از شاخص‌های سیاستگذاری اجتماعی برای مدیریت بحران‌های هویتی خواهد بود. سیاستگذاری اجتماعی از جمله مباحث تأثیرگذار در سرنوشت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و روانی هر جامعه‌ای است و موضوع‌هایی همانند برقراری عدالت، رفع فقر و تبعیض، دستیابی به رفاه و آسایش را شامل می‌شود. موضوع مربوط به توسعه اجتماعی، کانون راهبردی بسیاری از درگیری‌های جهان و منطقه به‌شمار می‌آید. محور اصلی سیاستگذاری اجتماعی را می‌توان در فرایند حداکثرسازی خدمات عمومی شهروندان از سوی دولت جست‌وجو کرد. هر دولتی می‌بایست نیازهای مربوط به خدمات عمومی، تأمین مسکن، محیط زیست، بهداشت، سلامت و امنیت اجتماعی شهروندان را تأمین و از سازوکارهای حمایتی و جماعت‌گرایانه استفاده کند. به‌طور کلی می‌توان به این موضوع توجه و تأکید کرد که هرگونه اعمال حق حاکمیت توسط دولت در شرایطی حاصل می‌شود که نیازهای عمومی گروه‌های اجتماعی تأمین شود. اعمال حق حاکمیت به مفهوم آن است که دولت از ابزارهای سیاسی و قدرت خود برای تأمین نیازهای اجتماعی جامعه بهره می‌گیرد. کشورهایی که نتوانند نیازهای هویتی، اجتماعی و اقتصادی جامعه را تأمین کنند، اغلب با چالش‌های سیاسی و راهبردی روبه‌رو می‌شوند. هویت نیروی نهفته جامعه به‌شمار می‌آید که در شرایط تاریخی خاص بازتولید می‌شود. قالب‌های

هویتی اغلب با نشانه‌هایی از عدالت اجتماعی پیوند می‌یابند و تلاش دارند تا زمینه تغییر جهان را فراهم سازند.

از آنجایی که در عصر ارتباطات زمینه پیدایش شکاف‌های اجتماعی وجود دارد، طبیعی به نظر می‌رسد که حاکمیت تحت تأثیر بحران عدالت بخشی از قدرت خود را از دست بدهد. نشانه‌های حاکمیت را می‌توان در کنترل همه‌جانبه شکاف‌های متنوع اجتماعی، مدیریت گروه‌بندی‌های به شدت متعارض، بازتولید همبستگی‌های درون‌گروهی و تداوم وفاداری‌های قبیله‌ای، قومی، محلی، دینی دانست. هویت ارتباط مستقیم با سوژه دارد. آلن تورن به این موضوع اشاره دارد که از میان رفتن چارچوب‌های اجتماعی به پیروزی سوژه‌هایی می‌انجامد که هم می‌تواند در برابر نیروهای مرگ و هم در برابر نظم اجتماعی مقاومت کند (تورن، ۱۳۹۶: ۱۶۳).

۳.۴. سیاستگذاری ساخت‌یابی جنبش‌های اجتماعی

جنبش‌های اجتماعی در سده بیست و یکم تحت تأثیر شبکه‌بندی ذهن، به چالش کشیدن قدرت و تلاش برای گذار از بحران معنا شکل گرفته است. در بسیاری از کشورهای خاورمیانه نشانه‌هایی از تردید در زمینه حقانیت رسانه‌ها و از بین رفتن اعتماد عمومی وجود دارد. در فضای شبکه‌ای، نشانه‌هایی از قالب‌های معنایی و روایت‌های سیاسی ظهور می‌یابد که نمایشی از خودآگاهی جدید است؛ خودآگاهی که مشخصه همیشگی جنبش‌های اجتماعی بزرگ بوده و در عصر شبکه‌های اجتماعی از قابلیت سرایت به سایر حوزه‌های پیرامونی برخوردار شده است (کاستلز، ۱۳۹۳: ۱۰). ساخت‌یابی جنبش‌های اجتماعی زمینه کنترل سازوکارهای خشونت‌ساز را به وجود می‌آورد. اگر شکل‌بندی‌های هویتی و جنبش‌های اجتماعی ماهیت رادیکال پیدا کنند، در آن شرایط هویت نمایش خشونت تلقی می‌شود و هر مجموعه‌ای تلاش می‌کند تا از طریق همبستگی اجتماعی با ساخت دولت و قدرت مقابله کند. جنبش‌های اجتماعی رادیکال هویت انحصاری دارند. هویت انحصاری در بسیاری از مواقع به تشدید بحران منجر می‌شود و گروه‌های اجتماعی در چنین فضایی بر پایه نشانه‌هایی از «هنر ستیزه‌جویی» موقعیت خود را تثبیت و بازتولید می‌کنند (Posen, 2021: 28).

اگر دامنه گسترده‌ای از شهروندان خود را با ارزش‌ها و هنجارهای متعارض تطبیق دهند، در آن شرایط امکان ساخت‌یابی اجتماعی کاهش می‌یابد و زمینه شکل‌گیری تضادهای جدید به وجود می‌آید. هویت‌هایی با هنر ستیزه‌جویی اغلب چالش‌هایی را در برابر نیروهای اجتماعی، ساخت سیاسی و نهادهای عمومی به وجود می‌آورند. اندرسون به این موضوع اشاره می‌کند که استبداد و فرقه‌گرایی در زمره تولیدات و خلاقیت‌های سیاسی خلافت بوده است (اندرسون،

۱۳۹۶: ۸۵). قدرت و ضد قدرت بر اساس پیکربندی واقعی دولت و نهادهای اجتماعی معنا پیدا می‌کند. انگیزش‌های بنیادگرایانه برخی از بازیگران منطقه‌ای همانند عربستان، ترکیه و امارات متحده عربی بر روند تحرک گروه‌های هویتی ستیزه‌جو تأثیر گذاشت. در نگرش محمد ایوب، اسلام‌گرایی به مثابه یک ایدئولوژی سیاسی را نمی‌توان بر پایه ساختار تئولوژیک دانست. کارکرد اسلام سیاسی و اسلام تکفیری، بسته به محیط اجتماعی و نقش‌یابی نیروهای خارجی در هر منطقه‌ای متفاوت خواهد بود. درک پدیده اسلام‌گرایی در منطقه بدون در نظر گرفتن نقش بحران‌ساز نیروهای خارجی در آن امکان‌پذیر نخواهد بود.

۴.۴. هویت و سیاستگذاری دولت قوی

به همان‌گونه‌ای که هویت‌های متعارض می‌تواند زمینه پیدایش تضادهای سیاسی، اجتماعی و هویتی را فراهم سازد، دولت قوی نیز قادر خواهد بود تا قدرت ارتباطی خود را افزایش دهد و از سازوکارهای داده‌بنیاد برای انعکاس قالب‌های ادراکی خود استفاده کند. روابط متوازن و درهم‌تنیده قدرت از عناصر اصلی کنترل سیاسی است. روابط قدرت سازنده نهادهای اجتماعی است و چنین فرایندی بدون توجه به ساخت‌یابی معنا، امکان همبستگی اجتماعی را فراهم نمی‌سازد (Moore, 2021: 74). هر اندازه قدرت ماهیت انحصاری داشته باشد، با واکنش گروه‌های هویتی روبه‌رو می‌شود. به همین دلیل است که بسیاری از کشورهای خاورمیانه با چالش‌های معنایی و هویتی در حال ظهور روبه‌رو هستند. رویارویی گروه‌های تکفیری با زائران حرم امام رضا (ع) در ۱۶ فروردین ۱۴۰۱ بیانگر این واقعیت است که برای پایان دادن به کشمکش‌های تاریخی مربوط به تعارض دینی و معنایی، دولت‌ها و گروه‌های اجتماعی نیازمند کنش ارتباطی، چانه‌زنی مذاکره‌ای و انعطاف ساخت‌یابی شده هستند. برخی مواقع، انگاره کمابیش یکسانی بین دولت قوی و دولت مسلح وجود دارد. دولت قوی از سازوکارهای کنش نظامی و خشونت بهره نمی‌گیرد، بلکه اغلب تلاش دارد تا جلوه‌هایی از ساخت‌یابی معنایی را در حوزه هویت‌های سیاسی و اجتماعی شکل دهد. در غیر این صورت، زمینه فعال شدن شکاف‌های ملی و فراملی به وجود می‌آید. نادیده گرفتن نیروهای اجتماعی، افزون‌بر افزایش شکاف‌های تاریخی در محیط اجتماعی، زمینه تبدیل شکاف‌های سیاسی به رویارویی امنیتی را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد.

برخی از شکاف‌های اجتماعی زمینه پیدایش تضادهای بین‌المللی را به وجود می‌آورد. چنین نشانه‌هایی را می‌توان در چگونگی کنش ارتباطی آمریکا و چین در سومین دهه سده بیست‌ویکم مورد توجه قرار داد. بایدن حداکثر تلاش خود را برای درهم‌تنیدگی کنش ارتباطی چین و آمریکا به انجام می‌رساند. نتیجه چنین الگوی کنش ارتباطی چین و آمریکا به پیدایش

سطح جدیدی از کنش ارتباطی مبتنی بر سازوکارهای همکاری و رقابت‌های درهم‌تنیده دائمی منجر شده است (Churchill, 2021: 45).

۵. نتیجه

بسیاری از کشورهای محیط منطقه‌ای ایران در سده بیست‌ویکم با نشانه‌هایی از بحران هویتی، هنجاری، معنایی و روایتی روبه‌رو شده‌اند. بازسازی روابط کشورهای جهان عرب با اسرائیل بیانگر این واقعیت است که روایت جدیدی در حال ظهور است. روایت‌ها زمانی شکل می‌گیرند و بازتعریف می‌شوند که زمینه‌های اجتماعی قدرت سیاسی به‌وجود آید. به همان گونه‌ای که در محیط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ایران نشانه‌هایی از مقاومت شکل گرفته است، می‌توان برخی از شاخص‌های تکرار شونده بحران هویتی و ژئوپلیتیکی را مورد توجه قرار داد.

روایت‌های جدید در محیط منطقه‌ای و ساخت اجتماعی ایران شکل گرفته است. «روایت مقابله با شیعه» و «ایدئولوژی انقلاب اسلامی» بخشی از فضای کنش بازیگران بنیادگرای ستیزه‌جو را منعکس می‌سازد. هویت‌های متعارض در شرایطی شکل می‌گیرد که نشانه‌هایی از انحصار قدرت وجود دارد. توسعه‌گرایی آمریکا در جنوب غرب آسیا عامل اصلی ارتقای موقعیت گروه‌های مقاومت به‌شمار می‌آید. به همان گونه‌ای که نقش‌یابی سیاسی و ساختاری مقاومت در کشورهای منطقه‌ای از عوامل اصلی پادگفتمان قدرت و امنیت است.

نبردی فرقه‌گرایانه در فضای ژئوپلیتیکی خاورمیانه ظهور یافته است که آثار آن را می‌توان در حوزه اروپای شرقی نیز مورد توجه قرار داد. بحران اوکراین شباهت‌های ژئوپلیتیکی، فرهنگی، هویتی و اسطوره‌ای با تحولات منطقه‌ای عراق، یمن و فلسطین دارد. موج‌های فرقه‌گرایانه تأثیر خود را در نبردهای سیاسی به‌جا می‌گذارد. ساخت اجتماعی خاورمیانه بیانگر این واقعیت است که هر نیروی مسلط سیاسی تلاش می‌کند تا گروه‌های رقیب را از گردونه خارج سازد (Mosalanejhad, 2019: 65).

تلاش برای قدرت انحصاری، زمینه شکل‌گیری مقاومت در پیرامون و حاشیه‌ای شدن منازعه را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. رادیکالیزه شدن هویت‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، بازتولید نشانه‌های خشونت را در سطوح مختلف امکان‌پذیر می‌سازد. علت اصلی تداوم و بازتولید خشونت را می‌توان در پیوند دو نیروی «انحصار قدرت سیاسی» به‌همراه «بازتولید شکاف‌های اجتماعی» دانست. نتیجه چنین فرایندی، در ظهور جنگ‌های نیابتی تعریف می‌شود. کارگزاران جنگ‌های نیابتی اغلب هویت‌محورند و احساس می‌کنند که ساخت قدرت در برابر آنان سازماندهی شده است. هر گاه شبکه‌های ارتباطی برای تفسیر داده‌های مبادله‌شده در

روابط کشورها و بازیگران وجود نداشته باشد، زمینه ساخت‌زدایی معنایی به‌وجود می‌آید. نتیجه چنین شرایطی را می‌توان «خودارتباطی توده‌ای» دانست که در عصر جامعه شبکه‌ای از جایگاه و اثربخشی لازم و مؤثر برخوردار است.

بیانیه نبود تعارض منافع

نویسنده اعلام می‌کند که تعارض منافع وجود ندارد؛ و تمام مسائل اخلاق در پژوهش را که شامل پرهیز از دزدی ادبی، انتشار و یا ارسال بیش از یک بار مقاله، تکرار پژوهش دیگران، داده‌سازی یا جعل داده‌ها، منبع‌سازی و جعل منابع، رضایت ناآگاهانه‌ی سوژه یا پژوهش‌شونده، سوءرفتار و غیره می‌شوند، به طور کامل رعایت کرده‌اند.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. اجلالی، پرویز. (۱۳۹۸) *نابخردی انسان؛ کاوشی در آرا و نظریه‌های ویلفردو پارتو*. تهران: اندیشه.
۲. افتخاری، اصغر. (۱۳۸۵) *کالبدشکافی تهدید*. تهران: دانشکده و پژوهشکده فرمانده ستاد علوم دفاعی.
۳. آلیسون، گراهام. (۱۳۹۹) *جنگ محتوم؛ آیا آمریکا و چین می‌توانند از تله‌توسیدید بگریزند*، ترجمه رحمت حاجی‌مینه و محمد عابدی. تهران: ابرار معاصر.
۴. اندرسون، تیم. (۱۳۹۶) *جنگ کثیف در سوریه؛ واشنگتن تغییر رژیم و مقاومت*، ترجمه مهدی هدایتی شهیدانی. رشت: دانشگاه گیلان.
۵. بزرگر، کیهان. (۱۳۹۷، زمستان) «راهبرد سیاست خارجی ایران در توازن قوای منطقه‌ای»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۲۱، ۴: ۱۸۳-۲۰۶. در: http://quarterly.risstudies.org/article_85233.html
۶. بروک، لوتار؛ و دیگران. (۱۳۹۴) *دولت‌های شکننده؛ جامعه‌شناسی جنگ و منازعه در دوران مدرن*، ترجمه احمد رشیدی. تهران: امیرکبیر.
۷. بوزان، باری. (۱۳۸۹) «مشکل امنیت ملی در جهان سوم»، در ادوارد آزر و چونگ این مون، *امنیت ملی در جهان سوم*، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۸. تورن، آلن. (۱۳۹۶) *پارادایم جدید*، ترجمه سلمان صادقی‌زاده. تهران: امیرکبیر.
۹. جونز، ریچارد. (۱۳۹۰) «بازسازی مفهوم امنیت»، در ساموئل هانتینگتون و دیگران، *ناگفته‌های سیاست بین‌الملل*، ترجمه عسگر قهرمان‌پور. تهران: دفتر علم.
۱۰. دورکیم، امیل. (۱۴۰۱) *قواعد روش جامعه‌شناسی*، ترجمه هوشنگ ناییب. تهران: آگاه.
۱۱. کاستلز، مانوئل. (۱۳۹۳) *شبکه‌های خشم و امید؛ جنبش‌های اجتماعی در عصر اینترنت*، ترجمه مجتبی قلی‌پور. تهران: نشر مرکز.
۱۲. کوهن، سائول. (۱۳۸۷) *ژئوپلیتیک نظام جهانی*، ترجمه عباس کاردان. تهران: ابرار معاصر.
۱۳. لوئیس، برنارد. (۱۳۹۸) *ایمان و قدرت؛ دین و سیاست در خاورمیانه*، ترجمه جعفر محسنی دره‌بیدی. تهران: آشیان.
۱۴. نیاکوئی، سید امیر. (۱۳۹۱) *کالبدشکافی انقلاب‌های معاصر در جهان عرب*. تهران: میزان.

ب) انگلیسی

15. Allagui, Ilhem; and Johanne Kuebler. (2011) "The Arab Spring and the Role of ICTs," *International Journal of Communication* 5: 1435-1442. Available at: https://www.academia.edu/27870502/The_Arab_Spring_and_the_Role_of_ICTs_Introduction (Accessed 2 June 2022).
16. Amenta, Edwin, et al. (2010) "The Political Consequences of Social Movements," *Annual Review of Sociology* 36, 1: 287-307, <DOI:10.1146/annurev-soc-070308-120029>.
17. Calderaro, Andrea; and Anthony J. S. Craig. (2020) "Transnational Governance of Cybersecurity: Policy Challenges and Global Inequalities in Cyber Capacity Building," *Third World Quarterly* 41, 6: 917-938, <DOI: 10.1080/01436597.2020.1729729>.
18. Churchill, Owen. (2021, February 5) "President Biden Described China as the "Most Serious Competitor" to the United States," *South China Morning Post*. Available at: <https://www.scmp.com/news/china/diplomacy/article/3120618/first-foreign-policy-address-president-biden-calls-china-most-serious-competitor> (Accessed 1 March 2022).
19. Dzarasov, Ruslan; and Victoria Gritsenko. (2020) "Colors of a Revolution; Post-Communist Society, Global Capitalism and the Ukraine Crisis," *Third World Quarterly* 41, 8: 1289-1305, <DOI:10.1080/01436597.2020.1732202>.
20. Hart, Jonathan. (2008) *Empires and Colonies*. Malden: Polity Press.
21. Howard, Philip. (2011) *The Digital Origins of Dictatorship and Democracy*. Oxford, UK: Oxford University Press.
22. Huisken, Ron. (2021, December 9) "America and China: Seeking an Updated Foundation for Enduring Engagement," *Pacific Forum (PacNet 56)*. Canberra, Australia: Council for Security Cooperation in the Asia Pacific Press. Available at: <https://pacforum.org/wp-content/uploads/2021/12/PacNet56.2021.12.9.pdf> (Accessed 11 July 2022).
23. Jones, Richard. (1999) *Security Strategy and Critical Theory*. New York: Lynne Renner Publisher.
24. Kaplan, Robert D. (2017, August 13) "America's Darwinian Nationalism," *National Interest*. Available at: <https://nationalinterest.org/feature/americas-darwinian-nationalism-21889> (Accessed 18 June 2021).
25. Kaplan, Robert D. (2014, March 6) "The Lure of Nationalism," *Real Clear World*. Available at: https://www.realclearworld.com/articles/2014/03/06/the_lure_of_nationalism.html (Accessed 18 June 2021).
26. Marks, Stephen R. (1974) "Durkheim's Theory of Anomie," *American Journal of Sociology* 80, 2: 329-363. Available at: <http://www.jstor.org/stable/2777505> (Accessed 18 June 2021).
27. Moore, Richard. (2021) "Human Intelligence in the Digital Age- Speech by Richard Moore, Chief of the UK's Secret Intelligence Service," IISS (*iiss.org*). Available at: <https://www.iiss.org/events/2021/11/human-intelligence-digital-age> (Accessed 11 July 2022).
28. Mosalanejad, Abbas. (2019), "US Comparative Policy toward Iran and the Middle East," *Geopolitics Quarterly* 14, 52: 1-20. Available at: http://journal.iag.ir/article_82979.html?lang=en (Accessed 2 June 2022).
29. Pareto, Vilfredo. (1927) *Manual of Political Economy*, trans. Ann S. Schwier. London, UK: MacMillan.
30. Pareto, Vilfredo. (1897) "The New Theories of Economics," *Journal of Political Economy* 5, 4: 485-502. Available at: <http://www.jstor.org/stable/1821012> (Accessed 12 July 2021).

31. Parsons, Talcott. (1967) *The Structure of Social Action*. New York: Simon & Schuster.
32. Posen, Adam S. (2021, May-June) "The Price of Nostalgia America's Self-Defeating Economic Retreat," *Foreign Affairs* 100, 3: 28-43. Available at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/united-states/2021-04-20/america-price-nostal> (Accessed 11 July 2022).
33. Volpi, Frédéric; and Johannes Gerschewski. (2020) "Crises and Critical Junctures in Authoritarian Regimes: Addressing Uprisings' Temporalities and Discontinuities," *Third World Quarterly* 41, 6: 1030-1045, <DOI: 10.1080/01436597.2020.1729728>.
34. Wagner, Ben. (2011) "I Have Understood You: The Co-evolution of Expression and Control on the Internet, Television and Mobile Phones During the Jasmine Revolution in Tunisia," *International Journal of Communication* 5: 1295-130. Available at: <http://ijoc.org> (Accessed 18 June 2021).



Research Paper

Meaning, Myth and Narrative in the Identity Policy of the Twenty-First Century

Abbas Mossalanejad *

Professor, Faculty of Law & Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran

Received: 10 April 2022, Accepted: 30 January 2023
© University of Tehran

Abstract

Identity is regarded as one of the fundamental elements of new political, regional, and international order. Identity forms have intertwined relationships with the history, culture, and past forms of action of a society. It is noteworthy that cultural signs are reproduced gradually and reflect a new form of political behavior. Identity accounts for a major part of the causes of political disputes between Iran and several states including Saudi Arabia, United Arab Emirates, Israel, Yemen, and Ukraine. Accordingly, identity can be considered as the lost goods of the contemporary era, and it has had a considerable impact on the security policies of various countries.

The principal issue addressed in this study is that meaning, myth, and narratives have been ignored in the identity policymaking processes, particularly at the social, national, and regional levels. The main research questions to be answered in the present paper are as follows: 1. What were the features of the identity policy in the third decade of the twenty-first century? 2. How can they set the stage for stability and balance? In the hypothesis, the authors argue that “the identity policy is based on the knowledge of the forms of cultural, historical, and ideological conflicts of the actors, and results from the mechanisms based on the intersubjective interactions. In order to find answers to the questions, we rely on the constructivist approach and Alain Touraine’s new paradigm for the analysis of works by several prominent scholars. Using the method of conceptual analysis, we attempt to delineate the signs of meaning, myth, and narrative in the twenty-first century’s identity policy. The findings of this study are related to the paradigms of identity, media, and network society policies which can pave the way for increasing the power of some countries, but they can also be signs of security threats for others. The paper’s innovation concerns the effect of narrative and mythic signs on the identity policy.

*Corresponding Author Email: mossalanejad@ut.ac.ir

Keywords: Building Regional Security, Crisis Management, Identity, Identity Policy, Myth, Narrative

Declaration of conflicting interests

The authors declared no potential conflicts of interest with respect to the research, authorship, and/or publication of this article.

Funding

The authors received no financial support for the research, authorship, and/or publication of this article.

ORCID iDs: <https://orcid.org/0000-0002-0283-2762>

References

- Ajjali, Parviz. (2018) *Nā'bekhradi-ye ensān; kāvoshi da ārā va nazariyeh'hā-ye vilfredo pareto (Human Stupidity; An Exploration of Vilfredo Pareto's Views and Theories)*. Tehran: Andisheh. [in Persian]
- Allagui, Ilhem; and Johanne Kuebler. (2011) "The Arab Spring and the Role of ICTs," *International Journal of Communication* 5: 1435-1442. Available at: https://www.academia.edu/27870502/The_Arab_Spring_and_the_Role_of_ICTs_Introduction (Accessed 2 June 2022).
- Allison, Graham. (2020) *Destined for War: Can America and China Escape Thucydides's Trap?* trans. Rahmat Hajimineh and Mohammad Abedi. Tehran: Abrar-e mo'āser. [in Persian]
- Amenta, Edwin, et al. (2010) "The Political Consequences of Social Movements," *Annual Review of Sociology* 36, 1: 287-307, <DOI:10.1146/annurev-soc-070308-120029>.
- Anderson, Tim. (2017) *Jang-e kasif dar soriyeh (The Dirty War in Syria)*, trans. Mehdi Hedayati Shahidani. Rasht: Gilan University. [in Persian]
- Barzegar, Kahan. (2018, Winter) "Rāhbord-e siyāsāt-e khāreji-ye Irān dar tavāzon-e ghovā-ye mantagheh'ī (Iran's Foreign Policy Strategy in Regional Power Balance)," *Faslnāmeḥ-ye motāleāt-e rāhbordī (Journal of Strategic Studies)* 21, 4: 183-206. Available at: http://quarterly.risstudies.org/article_85233.html (Accessed 12 July 2022). [in Persian]
- Brock, Lothar, et al. (2015) *Dolat'hā-ye shekanandeh (Fragile States)*, trans. Ahmed Rashidi. Tehran: Amir Kabir. [in Persian]
- Buzan, Barry. (2010) "Moshkel-e amniyat-e melli dar jahān-e sevom (The Problem of National Security in the Third World)," in Edward Azar and Chongin Moon, eds. *National Security in the Third World*, trans. Pajoheshkadeh-ye motāleāt-e rāhbordī. Tehran: Strategic Studies Research Institute. [in Persian]
- Calderaro, Andrea; and Anthony J. S. Craig. (2020) "Transnational Governance of Cybersecurity: Policy Challenges and Global Inequalities in Cyber Capacity Building," *Third World Quarterly* 41, 6: 917-938, <DOI: 10.1080/01436597.2020.1729729>.
- Castells, Manuel. (2014) *Shabakeh'hā-ye khashm va omid; jonbesh'hā-ye ejtemā'i (Networks of Outrage and Hope: Social Movements in the*

- Internet Age*), trans. Mojtaba Qolipour. Tehran: Nahr-e marhaz. [in Persian]
- Churchill, Owen. (2021, February 5) "President Biden Described China as the "Most Serious Competitor" to the United States," *South China Morning*. Available at: <https://www.scmp.com/news/china/diplomacy/article/3120618/first-foreign-policy-address-president-biden-calls-china-most> (Accessed 1 March 2022).
- Cohen, Saul. (2008) *Jeopolitik-e nezām-e jahāni (Geopolitics of the World System)*, trans. Abbas Kardan. Tehran: Abrar-e mo'āser. [in Persian]
- Durkheim, Émile. (2022) *Ghavāed-e ravesh-e jāme'h'shenāci (The Rules of Sociological Method (Les Règles de la méthode sociologique))*, trans. Hoshang Naibi. Tehran: Agah. [in Persian]
- Dzarasov, Ruslan; and Victoria Gritsenko. (2020) "Colors of a Revolution; Post-Communist Society, Global Capitalism and the Ukraine Crisis," *Third World Quarterly* 41, 8: 1289-1305, <DOI:10.1080/01436597.2020.1732202>.
- Eftekhari, Asghar. (2006) *Kālbod'shekāfi-ye tahdid (Autopsy of Threats)*. Tehran: Daneshkadeh va Pajoheshkadeh-ye farmāndeh-ye setād-e oloom-e defā'i. [in Persian]
- Hart, Jonathan. (2008) *Empires and Colonies*. Malden: Polity Press.
- Howard, Philip. (2011) *The Digital Origins of Dictatorship and Democracy*. Oxford, UK: Oxford University Press.
- Huisken, Ron. (2021, December 9) "America and China: Seeking an Updated Foundation for Enduring Engagement," *Pacific Forum (PacNet 56)*. Canberra, Australia: Council for Security Cooperation in the Asia Pacific Press. Available at: <https://pacforum.org/wp-content/uploads/2021/12/PacNet56.2021.12.9.pdf> (Accessed 11 July 2022).
- Jones, Richard. (1999) *Security Strategy and Critical Theory*. New York: Lynne Renner Publisher.
- . (2011) "Bāz'sāzi-ye mafhom-e amniyat (Reconstructing the Concept of Security)," in Samuel Huntington, et al. *Nāgoftēh'hā-ye siyāsāt-e bein'ol-melal (The Unspoken of International Politics)*, trans. Asgar Gharampour. Tehran: daftar-e elm. [in Persian]
- Kaplan, Robert D. (2014, March 6) "The Lure of Nationalism," *Real Clear World*. Available at: https://www.realclearworld.com/articles/2014/03/06/the_lure_of_nationalism.html (Accessed 18 June 2021).
- Kaplan, Robert D. (2017, August 13) "America's Darwinian Nationalism," *National Interest*. Available at: <https://nationalinterest.org/feature/americas-darwinian-nationalism-21889> (Accessed 18 June 2021).
- Lewis, Bernard. (2019) *Imān va ghdrat; din va siyāsāt dar khāvar-e'miāneh (Faith and Power; Religion and Politics in the Middle East)*, trans. Mohseni Darehbidi. Tehran: Ashian. [in Persian]
- Marks, Stephen R. (1974) "Durkheim's Theory of Anomie," *American Journal of Sociology* 80, 2: 329-363. Available at: <http://www.jstor.org/stable/2777505> (Accessed 18 June 2021).
- Moore, Richard. (2021) "Human Intelligence in the Digital Age- Speech by Richard Moore, Chief of the UK's Secret Intelligence Service," IISS

- (iiss.org). Available at: <https://www.iiss.org/events/2021/11/human-intelligence-digital-age> (Accessed 11 July 2022).
- Mosalanejhad, Abbas. (2019), "US Comparative Policy toward Iran and the Middle East," *Geopolitics Quarterly* 14, 52: 1-20. Available at: http://journal.iag.ir/article_82979.html?lang=en (Accessed 2 June 2022).
- Niakoi, Seyyed Amir. (2012) *Kālbod'shekāfi-ye enghelāb'hā-ye mo'āser dar jahān-e arab (Autopsy of Contemporary Revolutions in the Arab World)*. Tehran: Mizan. [in Persian]
- Pareto, Vilfredo. (1897) "The New Theories of Economics," *Journal of Political Economy* 5, 4: 485-502. Available at: <http://www.jstor.org/stable/1821012> (Accessed 12 July 2021).
- Pareto, Vilfredo. (1927) *Manual of Political Economy*, trans. Ann S. Schwier. London, UK: MacMillan.
- Parsons, Talcott. (1967) *The Structure of Social Action*. New York: Simon & Schuster.
- Posen, Adam S. (2021, May-June) "The Price of Nostalgia America's Self-Defeating Economic Retreat," *Foreign Affairs* 100, 3: 28-43. Available at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/united-states/2021-04-20/america-price-nostal> (Accessed 11 July 2022).
- Touraine, Alain. (2017) *Pārādigm-e jadid (A New Paradigm)*, trans. Salman Sadeghizadeh. Tehran: Amir Kabir. [in Persian]
- Volpi, Frédéric; and Johannes Gerschewski. (2020) "Crises and Critical Junctures in Authoritarian Regimes: Addressing Uprisings' Temporalities and Discontinuities," *Third World Quarterly* 41, 6: 1030-1045, <DOI: 10.1080/01436597.2020.1729728>.
- Wagner, Ben. (2011) "I Have Understood You: The Co-evolution of Expression and Control on the Internet, Television and Mobile Phones During the Jasmine Revolution in Tunisia," *International Journal of Communication* 5: 1295-130. Available at: <http://ijoc.org> (Accessed 18 June 2021).



This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC-BY) license.